

بحثی در عقاید فلسفی ابن سینا

بقلم محمد اسماعیل مبلغ

علم برین

از متافزیک ارسطو تا بعد الطبیعه شیخ الرئیس

نتیجه اینکه کتاب مابعدالطبیعه هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ اسلوب بغایت غامض و پیچیده بود چه اگر فقط از جنبه موضوع بحث نمودن میداشت پور بلخ با آن ذکاوت سرشار و نیروی فکر خود در فهم آن دچار اشکال نمیشد چون الفاظ و عبارات آن از بیان و افاده مطلب قاصر بود لذا فیلسوفان در اوایل از فهم مطالب آن اظهار عجز کردند و سپس به کمک کتاب فارابی محل مشکلات آن دست یافتند. ناگفته نماند که قبل از ابن سینا حتی در زمان فارابی بطوریکه از پیش گفتار رساله - الابانه عن غرض ارسطو طالیس ... بر می آید در باب دانش در فهم اغراض کتاب مابعدالطبیعه متعجب و سرگردان بودند.

فلسفه یونان بویژه فلسفه افلاطون
ارسطو در لباس پلوتینوس (۳۱)
و ارسطو با چهره واقعی خود در انظار فرزانگان
اسلام جلوه گر نشد و پیش از آنکه بدست مسلمین برسد بار و شهای فکری دیگر در آمیخت:
در رومان با روش فکر رومانی و در اسکندریه با تفکر مصری و در مدارس شرق
ادنی با طرز تعقل فنیقی و سامی دمساز گردید. پس بدون شك تمام این اندیشه های
مختلف در تعدیل میراث فکری یونان تاثیر داشت و بعبارة دیگر آنها را بیک صورتی
نمایش داد که سر تا پا دارای صبغه یونانی نبود (۲۲)

در خلال سالیان دراز فیلسوفان اسلام بدین عقیده بودند که مابعدالطبیعه ارسطو
دست نخورده و بصورت واقعی خود بدست آنان رسیده است و هرگز در ذهن آنان چنین

۲۱ - Plotinus زعیم افلاطونیان جدید (۲۰۴-۲۷۰)

۲۲ - الجانب الا الهی من التفكير الاسلامی ج ۲ ص ۶۸-۶۹ مصر.

اندیشه‌ای خطور نکرد که مابعدالطبیعه ارسطو جز آن است که دریافته اند اکنون مابعدآسانی می‌توانیم در فلسفه اسلام میان عناصر ارسطویی خالص و حقیقی و عناصر منسوب بد و امتیازدهیم در حالی که مسلمین بویژه در عصر نخستین نتوانستند بدین امتیاز دست یابند پس با این حال از اینکه آراء غریب و بیگانه‌ای به ارسطو نسبت داده شد نباید تعجب کرد. شاید در میان کتبی که به ارسطو نسبت داده اند عمیق‌ترین کتاب از لحاظ تاثیر و نفوذ کتاب موسوم به «انولوجیا» باشد (۲۳) این کتاب گزیده است از انید (۲۴) تاسوعات پلوتینوس که فرقدیوس (۲۵) مجموع رسایل و تعلیمات او را در شش مجلد که هر یک شامل نه رساله است ترتیب داد و از زیر بنام انید، تاسوعات خوانده شد (۲۶) و همین گزیده را در زمان معتصم یکی از مسیحیان لبنان بنام عبدالمسیح بن عبدالله الحمصی الناعمی از یونانی یا سریانی عبری ترجمه کرد و آنرا بنام انولوجیا تالیف ارسطو شهرت داد سپس این کتاب بحیث یکی از تالیفات ارسطو مورد توجه قرار گرفت و الکندی آنرا برای احمد بن معتصم تفسیر و اصلاح کرد (۲۷) فیلسوف معاصر برتراند رسل در این باره گوید: «... عربان نخست معرفت خویش را در باره فلسفه یونان از سریانیان بدست آوردند و بدین ترتیب آنان از آغاز ارسطو را از افلاطون مهم‌تر اندیشیدند معذک ارسطوی آنان در لباس افلاطونی نوجلوه‌گر شد کنندی (متوفای ۸۷۳ م) کسیکه برای نخستین بار در عربی فلسفه بنوشت و بیگانه فیلسوف شایسته ذکر است که خوشتر عرب بود قسمتهای از تاسوعات پلوتینوس را ترجمه کرد و در آن زیر عنوان الهیات

۲۳- چاپ لوزاک The Encyclopedia of Islam. Vol. 1. P. 433

(24) Enneads (25) Porphyry (233-322)

۲۶- B. A. G. Fuller: A history of Philosophy. P. 310

۲۷- الفهرست ص ۳۵۲ ج مصر- کلکسیون المقتطف سال ۱۹۲۰- سرگذشت و فلسفه

الکندی بقله محمد لطفی جمعه.

ارسطو (۲۸) منتشر کرد. همین که - ار اشتباه بزرگی را در اندیشه های عربی را جمع به ارسطو وارد ساخت، اشتباهی که قرنهای سده تا جبران و اصلاح شده (۲۹) پس از الکندی فارابی نیز کتاب اتولو جیارا از تالیفات اصیل و واقعی ارسطو دانست و در موارد متعدد از کتاب - الجمع بین را ئی الحکیمین - خود بدین کتاب استشهاد کرد (۳۰).

این سینا و کتاب اتولو جیا
یکی از مهمترین تالیفات ابن سینا بلخی
کتاب والانصاف بود که آنرا در بیست جزء تالیف

کرده بود وی در این کتاب حکما را بدو دسته مغربین و مشرقین تقسیم کرد در میان آراء آن دو فرقه به معاکمه پرداخت. این کتاب مهم در هنگام حمله غزنویان باصفهان بغارت رفت و جز اجزائی از آن بجا ماند. و آنچه که فعلاً از اجزاء این کتاب در دست است از ۱- قسمتی از شرح مقاله حرف لام، مقاله دو از دهم از کتاب الحروف ارسطو ۲- تفسیر کتاب اتولو جیا ۳- التعليقات علی حواشی کتاب النفس لارسطا طالیس. این هر سه جزء را دکتر عبدالرحمن بدوی در جزء اول از کتاب ارسطو عند العرب، از صفحه ۳۲ تا ۱۱۶ بسال ۱۹۴۷ در قاهره بچاپ رسانیده است.

از گفتار بالا این نتیجه بدست آمد که در بلخ کتاب اتولو جیارا می شناخته و آنرا تفسیر کرده است اما نکته قابل توجه در اینجا این است که آیا ابن سینا

۲۸ - The theology of Aristotle و اثره Translation را که در سل در اینجا بکار برده است در انگلیسی معمولاً معنای ترجمه را افاده میکند پس اگر مقصود او از این کلمه در عبارات بالا همان معنی باشد تا حدی از حقیقت کنار رفته است زیرا قسمتهای از تاسوعات بلوتینوس را چنانکه در متن گفتیم قبل از الکندی ابن ناعه به عربی ترجمه کرده بود و الکندی آنرا اصلاح و تفسیر نمود ولی اگر از این کلمه معنای تفسیر و اصلاح را اراده کرده باشد گفتارش با حقیقت مطابق است اما این کلمه داد در لغت طوری است که خواننده از آن معنای ترجمه را می فهمد بنابراین باید آرا به همان صورت ترجمه کردیم.

۲۹ - Bertrand russell: History of Western Philosophy .P . 443

چاپ لندن ۱۹۵۴ م

۳۰ - المجموع : کتاب الجمع بین را ئی الحکیمین ص ۲۷ و ۳۲ و ۳۶ ج مصر .

میدانست که این کتاب در حقیقت از تالیفات ارسطو نیست یا آنکه وی نیز مانند
 الکندی و فارابی آنرا از آثار ارسطو دانای یونان می‌شمرد در پاسخ این پرسش سزا است
 که گفتار ریجی می‌دهد وی را در اینجا نقل کنیم وی نخست در ضمن بیان گزارش
 کتاب الانصاف این عبارت را از خود ابن سینا آورده است: «... قسمت العلماء قسمین:
 ... و اوضحت شرح المواضع المشكلة...» الی آخر انولو جیاعلی مافی ثوالو جیاعلی المطمن
 و سپس در یادورقی همین جمله اخیر گوید: «بدوی در ص ۳۳ از مقدمه ارسطو
 عند العرب نوشته است که: «بول کر اوس نیز کتاب Plotin cher les Arabs ازین جمله استنباط
 کرده است که ابن سینا در انتساب کتاب انولو جیا که خلاصه ایست از قسمتی از رسایل
 پلوتینوس Plotion بنام Enneads با ارسطو اشتباه داشته و بدین این استنباط مستشرق
 ماسوف علیه رای اساس شمرده است لیکن این عبارت رقیه مذکور در قد کان
 اتفق من الدواعی عام طروق کتاب السلطان الماضی هذه البلاد ما بعثه علی اشتغال
 بکتاب سماه کتاب الانصاف المشتمل علی شرح جمیع کتب ارسطو طالیس حتی ادخل
 فیها کتاب انولو جیا و اخرج فی معانیه عالم بحسب منه...» (نسخه بادلیان درق ۱۴)
 اگر با قید و حتی ادخل، کاملاً نظر بر آن مستشرق را تایید نکنیم چاکلی از وقوف شیخ
 بر این مطلب هست که کتاب انولو جیا متضمن آرائی است که نمیتوان آنها را بحساب
 ارسطو گذاشت. اما اشکال دیگر بسوی راهم که چرا در این قسمت از کتاب انصاف
 که مربوط است به انولو جیا شیخ اشاره برای مشرقین نکرده است علاوه بر اینکه
 ظاهراً از این کتاب تفاسیر مختلفی نشده بوده است تا شیخ آنها را ذکر کند و بین
 آنها انصاف دهد. عبارت نقل شده رفع میکند و روشن میسازد که غرض شیخ
 در آنجا چه بوده است» (۳۱)